

حاشیه دار

مناسب برای دانشجویان سال آخر رشته حقوق؛
کارآموزان وکالت و وکلای جوان

— تهیه و گردآوری —

امین قویدل جعفری

وکیل پایه یک دادگستری



سعدی از آن جا کہ فہمِ اوست سخن گفت

وَر نہ کمالِ تو، و ہم کی رسد آن جا؟

«سعدی»

حاشیه دار

عنوان: حاشیه‌دار

ایده و طرح جلد : امین قویدل جعفری

این کتاب توسط انتشارات ICARE و با حمایت انجمن هنر و شعر دنیای فرانسه و

فارسی زبان اوستا به چاپ رسید.

ISBN: 979-10-91892-23-0

نکته: تنها مرجع رسمی برای تهیه فایل کتاب وبسایت www.vakil-office.com می‌باشد.

این فایل جهت مطالعه شخصی در اختیار شماست از انتشار عمومی آن خودداری کنید.

اگر رفیق شفیقی درست پیمان باش
حریف خانه و گرمابه و گلستان باش
«حافظ»

به رفیقم، پسر، آوستا

فهرست

پیشگفتار	۸
انگیزه نگارش	۸
چرا «حاشیه‌دار»؟	۱۱
فصل اول - شیوه عمل وکیل	۲۱
گام‌هایی که برای رسیدن به نتیجه طی می‌شوند	۲۲
فصل دوم - استدلال قضایی	۲۸
چگونگی دفاع از موکل	۲۹
فصل سوم - ابزارهای استنادی و قانونی برای اثبات	۳۷
فصل چهارم - در باب فعالیت استدلالی	۴۲
فصل پنجم - درباره تحلیل و ترکیب	۴۶
فصل ششم - انواع مختلف استدلال	۵۵
فصل هفتم - رابطه استدلالی	۶۴
فصل هشتم - توصیف حقوقی	۶۹
فصل نهم - درباره تفسیر	۷۶
فصل دهم - نظم استدلالی	۸۳
فصل یازدهم - معیارهای یک لایحه دفاعی متقاعدکننده	۹۳
فصل دوازدهم - فعالیت در شبکه‌های اجتماعی	۹۷



پیشگفتار

سلام،

از اینکه این کتاب را برای مطالعه و تقویت توان حرفه‌ای خود انتخاب کرده‌اید، سپاسگزارم. انتخاب این اثر از سوی شما، در میان بیشمار منابع آموزشی، مایه سرافرازی است.

انگیزه نگارش

ایده نگارش این کتاب از روزی در ذهنم شکل گرفت که نخستین ابلاغ «وکیل سرپرست» برای من صادر شد. آن روز، بیش از آنکه احساس افتخار کنم، با پرسشی جدی روبه‌رو شدم: آیا واقعاً شایسته این عنوان هستم؟ آیا به نقطه‌ای رسیده‌ام که



بتوانم مسئولیت هدایت و آموزش نسل تازه‌ای از کارآموزان را بر عهده بگیرم؟

این پرسش، آغازی بود برای یک گفتگوی طولانی با خودم. همیشه معتقد بوده‌ام که عناوین حرفه‌ای، تنها زمانی ارزشمند هستند که پشتوانه‌ای از دانش، تجربه و مسئولیت‌پذیری داشته باشند. برای من مهم بود که اگر روزی کارآموزی در کنارم قرار گرفت، بتوانم چیزی فراتر از یک عنوان به او هدیه دهم؛ مجموعه‌ای از تجربه‌های عملی، نکات کاربردی، ظرافت‌های حرفه‌ای و درس‌هایی که حاصل سال‌ها مطالعه، مشاهده، آزمون و خطا و حضور در عرصه وکالت بوده است.

نمی‌خواستم صرفاً با القابی همچون استاد یا سرپرست خطاب شوم، در حالی که خود از درون احساس رضایت نداشته باشم. همین دغدغه، انگیزه اصلی شکل‌گیری این کتاب شد.

از همان زمان، شروع به گردآوری هر آنچه در طول سال‌ها آموخته بودم کردم؛ از مطالعات شخصی و حضور در کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی گرفته تا تجربه‌های ارزشمند جلسات دادگاه، گفت‌وگو با همکاران، تذکرات و نقدهای سازنده قضات و



حتی اشتباهاتی که به درس‌هایی ماندگار تبدیل شدند. به تدریج این یادداشت‌ها نظم گرفتند، دسته‌بندی شدند و هر روز بر غنای آن‌ها افزوده شد.

سرانجام از ابتدای دی‌ماه ۱۴۰۴، نگارش این اثر به صورت جدی و تمام وقت آغاز شد؛ در سفری پژوهشی و شخصی که از مشهد، شروع شد از پاریس گذشت و تا لوزان ادامه یافت. سفری که در آن بارها مطالب را بازنویسی، بازخوانی و ویرایش کرده‌ام تا اثری فراهم شود که بتواند برای مخاطبانش مفید، کاربردی و ماندگار باشد.

امید و آرزوی من این است که این کتاب بتواند چراغ راهی هرچند کوچک برای دانشجویان سال‌های پایانی رشته حقوق، کارآموزان وکالت و وکلای جوان باشد؛ کسانی که فردای این حرفه را خواهند ساخت.

در روزگاری که اخبار ناخوشایند و دشواری‌های فراوان، روح و روان جامعه را فرسوده می‌کند، خلق این اثر یکی از محدود انگیزه‌هایی بوده است که مرا به ادامه مسیر، آموختن و انتقال تجربه امیدوار و استوار نگه داشته است.



این کتاب، بیش از آنکه یک نوشته باشد، حاصل سال‌ها تجربه، دغدغه، یادگیری و تعهد به انتقال دانشی است که روزی دیگران بی‌دریغ در اختیار من قرار دادند و امروز وظیفه خود می‌دانم آن را به نسل بعدی منتقل کنم.

چرا «حاشیه‌دار»؟

نخست به این دلیل که محتوای این اثر از میان جملات کتاب‌های مختلف، مقالات گوناگون منتشر شده در اینترنت، روزنامه‌ها، مجلات و سایر منابع دیگر نکته‌برداری و انتخاب شده است. این مطالب مورد حاشیه‌نویسی و خلاصه‌نویسی قرار گرفته و با زبانی خودمانی و صمیمی به نگارش درآمده‌اند تا تجربیات را به راحتی منتقل کنند.

محتویات این کتاب حاصل سال‌ها فعالیت تخصصی و تجربیات شخصی من؛ ابتدا به‌عنوان کارشناس حقوقی یک دستگاه دولتی و سپس در قامت مشاور حقوقی و وکیل بخش خصوصی است. انگیزه اصلی من برای جمع‌آوری این یادداشت‌های پراکنده که هر کدام در گوشه کتابی، حاشیه



دفتری یا روی جلد پرونده‌ای ثبت شده بود را در بخش قبل توضیح دادم، آن زمان بود که تصمیم گرفتیم برای نظم بخشیدن به ذهن کارآموزان و همکاران جوان، این نکات را که طی بیست سال تجربه مستمر فعالیت حقوقی و وکالتی به دست آمده‌اند، گردآوری کنم.

این کتاب اکنون مانند یک «جعبه‌ابزار» در اختیار شما وکلای جوان است. هدف من در اینجا آموزش دوباره مفاهیم تئوریک حقوقی و فلسفی نیست؛ چراکه شما پیش‌تر در مقاطع دانشگاهی با مفاهیمی چون قیاس، تعریف فلسفه، عناوین اتهامی و جرم و مجازات و غیره آشنا شده‌اید. نکاتی که در ادامه خواهید خواند، حکم انبردست، آچار فرانسه یا فازمتر را در جعبه‌ابزار یک تعمیرکار دارند. شما می‌توانید هر چند بار که لازم باشد به این نکات رجوع کنید و با هر بار مطالعه، تلنگری جدید در نگرش فکری و استدلالی خود دریافت نمایید.

دومین علت نام‌گذاری، «حاشیه‌دار» بودن شغل وکالت است. با انتخاب این نام، تلاش کرده‌ام بی‌پرده و شفاف، کیفیت و جزئیات این حرفه را برای همکاران جدید و دانشجویان سال



آخر حقوق بیان کنم؛ کسانی که در حال تصمیم‌گیری و انتخاب مسیر شغلی خود میان مشاغل قضایی (وکالت، قضاوت، سردفتری یا کارشناسی حقوقی) هستند.

وکالت شغلی سخت و طاقت‌فرسا است. اگر وکالت را صرفاً یک حرفه تلقی می‌کنید، بدانید که چنین برداشتی با حقیقت این مسیر فاصله دارد «مال‌التجاره» این شغل، فعالیت فکری و ذهنی شماست. این حرفه هیچگاه در پایان ساعت اداری متوقف نمی‌شود. ارتباط مستمر تلفنی و حضوری موکل یا طرف مقابل او با شما، در شادی و غم، در سفر، در تعطیلات و حتی نیمه‌شب برقرار است!

«بهترین فضیلت یک وکیل این است که وقتی هیچ‌کس

دیگری نیست، او در کنار موکل حضور داشته باشد.»

رولان دوما

تهدید، ارباب و توهین، تنها بخشی از حواشی این شغل است که باید واقع‌بینانه با آنها مواجه شوید.

«همه از وکیل مدافع متنفرند، تا زمانی که به او نیاز پیدا کنند.»

مایکل کانلی



آنچه در فیلم‌ها و سریال‌ها از کیفیت زندگی و کلا تصویر می‌شود، در واقعیت جز برای عده‌ای اندک، دست‌یافتنی نیست.

«قاضی‌ها ما را تحقیر می‌کنند؛ دادستان تمام اختیارات را داراست و بسیاری از موکلان حق‌الوکاله را پرداخت نمی‌کنند. وکیل در جریان دادرسی در وضعیت تحقیر دائمی قرار دارد.»

آرنو مونتیورگ

تلاش برای جذب موکل و چانه‌زنی‌های پیاپی، تازه شروع اتفاقات غیرقابل‌پیش‌بینی است.

«وکیل جوانی که پرونده ندارد و پزشک جوانی که بیمار ندارد، دو مورد از جلوه‌های ناامیدی معقول هستند که مختص شهر پاریس است.»

اوتوره دو بالزاک

باید عادت کنید که هر دو روز یک بار، با این دو سوال تکراری از سوی موکل مواجه شوید (در حالی که زمان رسیدگی‌ها گاه بیش از سه ماه است):

«چه خبر از پرونده ما؟» و «پرونده ما چی شد؟»

«حرفه وکالت بسیار دلچسب می‌بود اگر فقط پای پرونده‌ها در میان بود؛ اما صد افسوس که پای موکل هم در میان است.»

پیر لوول



باید بسیار تلاش کنید تا با شنیدن این سوالات وارد «حاشیه» نشوید. به مرور زمان، اگر به این پرسش‌ها عادت نکنید، نسبت به آن‌ها حساسیت پیدا خواهید کرد. زندگی شخصی، سلامت فکری و جسمی شما خواه‌ناخواه تحت‌الشعاع این حواشی قرار می‌گیرد. آماده شدن برای دفاع در هر پرونده، پیچ و خم‌های طولانی و بعضاً خطرناکی دارد. حضور در جلسات رسیدگی و مواجهه با توقعات بی‌پایان موکل، به تنهایی برای برهم زدن ضربان قلب شما کافی است.

«برای یک وکیل، جلسه دادرسی حکم دریا را دارد؛ همیشه

غیرقابل پیش‌بینی و گاهی خطرناک. از دریانورد نپرسید چرا عاشق

اقیانوس است؟ او فقط دوستش دارد، همین و بس! اقیانوس، شور و اشتیاق

و عنصر وجودی اوست. به همین ترتیب، وکیل نیز عاشق جلسه دادرسی

است؛ به خاطر لحظات خوشی که به او می‌بخشد و تمام دلشوره‌هایی که

وقتی فرشته عدالت با او یار نیست، وجودش را فرا می‌گیرد.»

روبرت بدنتر



صادقانه بگویم، آنچه من در چندین شهری که سفر کرده‌ام دیدم این است که فضای دادگاه‌ها در بسیاری از نقاط جهان یکسان است « **Le palais de justice de Paris** » (کاخ دادگستری پاریس) با یک مجتمع قضایی در مشهد تفاوت چندانی ندارد؛ همان صندلی‌های چوبی، دیوارهای خاکستری، افراد سردرگریان و امواج منفی ناشی از فکرهای مشغول. مشاهده روزانه این فضاها اگر «حاشیه» نیست، پس چیست؟ ارتباط مستقیم با رنج مردم، شما را مدام درگیر می‌کند، به‌طوری که دیگر نمی‌توانید مانند دیگران شاد و آسوده باشید.

«وکالت یک کسب‌وکار است؛ کسب‌وکاری که روح دارد!»

ژان کاستلن

اطلاع دقیق از قوانین و آمار جرم، به مرور شما را به فردی بیش از حد محتاط تبدیل می‌کند که خود نوعی حاشیه برای زندگی اجتماعی است. با این حال، به سرانجام رساندن این حرفه، نیازمند شجاعتی وصف‌ناپذیر است.



« برای یک وکیل، شجاعت ضروری است. بدون آن هیچ چیز دیگری مهم نیست. استعداد، فرهنگ و دانش حقوقی همگی مفیدند، اما بدون شجاعت در لحظه سرنوشت‌ساز، کلمات تنها می‌درخشند و سپس محو می‌شوند.»

روبرت بدنتر

« فداکاری شما از آن جهت سخاوتمندانه‌تر است که شما زندگی خود را به خطر می‌اندازید، در حالی که شاید نتوانید زندگی مرا نجات دهید! »

لوئی شانزدهم (خطاب به وکیلش)

ما به‌عنوان وکیل، همیشه، نظاره‌گر اتفاقات ناگوار جامعه‌ایم.

« غم‌زدگی، سرنوشت مشترک تمام مردان نابغه است. »

سیسرو

در مورد علت دوم نام‌گذاری می‌توان ساعت‌ها نوشت، اما همین اندازه کافی است. رسالت این مجموعه تلنگر زدن و جهت دادن است؛ باقی مسیر با مخاطب است که سرنخ را بگیرد و پیش برود.



«نوشتن، خواندن و سخنوری، سه شرط اساسی برای
آموزش فنی یک وکیل هستند.»

موریس گارسون

و اما سومین و اصلی‌ترین دلیل نام‌گذاری، طراحی ویژه و منحصر به فرد صفحات آن است. پس از سال‌ها پژوهش در حقوق و علمی نظیر اقتصاد و بازاریابی، اکنون در تلاش هستم به‌عنوان طراح محصولات کاربردی حقوقی، ابزاری خلق کنم که باعث «تغییر رفتار» شود. باور دارم محصولی که برای ایجاد انگیزه ساخته می‌شود، نباید فقط سلیقه کاربر، بلکه باید نحوه حضور او در زندگی کاری و شخصی‌اش را نیز تغییر دهد.

در نهایت، این مجموعه به‌گونه‌ای صفحه‌آرایی شد که نکات در مرکز صفحه قرار گیرد و فضای اطراف آن برای «حاشیه‌نویسی» خواننده آزاد باشد. یک وکیل کارآزموده کسی است که بتواند با ظرافت نکته‌برداری کند، ارتباط میان موضوعات را دریابد و برداشت شخصی خود را یادداشت نماید. همچنین در بخش‌هایی با عنوان «از متن تا عمل»، فضاهای خالی



طراحی شده تا خواننده تجربیات حرفه‌ای خود را ثبت کرده و کتاب را به یک مرجع شخصی تبدیل کند.

علاوه بر این، سخنان حقوقدانان بزرگ و شخصیت‌های تاریخی که با نکات کتاب همپوشانی داشتند، در ذیل مطالب قرار گرفت تا مخاطب در زمان‌های معطلی اجباری در راهروهای دادگستری که در فرانسه آن را «سالن قدم‌های گمشده»^۱ می‌نامند از وقت خود به بهترین شکل استفاده کند.

در میان این جملات، مایل بودم سخنان حقوقدان برجسته ایرانی، مرحوم استاد غلامرضا طیرانیان را نیز بیاورم. از آنجا که تمام آثار ایشان ارزشمند و تأثیرگذار است، توصیه می‌کنم همکاران جوان حتماً مقالات ایشان را مطالعه کنند. امیدوارم با این یادکرد، وظیفه شاگردی را نسبت به ایشان ادا کرده باشم.

همچنین در این فرصت از تلاش‌ها و همفکری‌های دوست و همکار ارجمندم جناب وکیل زهیر جهان‌دیده که با بازخوانی نکات و متون، مطالب را کاربردی‌تر و قابل لمس برای کارآموزان

^۱. سالن قدم‌های گمشده: (La Salle des pas perdus) اصطلاحی است که در معماری فرانسوی برای تالارهای بزرگ و راهروهای ورودی کاخ‌های دادگستری یا ایستگاه‌های قطار به کار می‌رود؛ جایی که مراجعان در انتظار رسیدن نوبت یا زمان ملاقات، با اضطراب و بی‌هدفی قدم می‌زنند.



وکالت نمود، تشکر می‌کنم علاقمندم این دوستی قدیمی که به همکاری‌های متعدد انجامید ادامه‌دار باشد.

هدف این کتاب تلنگر زدن و ترغیب شما به فراگیری بیشتر است. آسوده خاطر در فضاهاى خالى بنویسید، به منابع دیگر ارجاع دهید و وارد حاشیه شوید؛ چراکه در بسیاری از مواقع، حاشیه مهم‌تر و پررنگ‌تر از متن است.

موفق باشید

امین قوبدل جعفری

تابستان ۱۴۰۵



هشت روز دیگر، همراه وکیل سرپرستم، از پرونده‌ای دفاع خواهیم کرد. قلبم می‌تپد؛ نه از ترس، بلکه از جسارت و شوق نخستین حضور در دادگاه. هرگز تا این اندازه خوشحال نبوده‌ام. نخستین گام‌های یک حرفه، طعمی مرموز دارند؛ گویی زمین زیر پای آدم می‌لرزد و سرش گیج می‌رود، اما عقل از راه می‌رسد و همه‌چیز دوباره استوار می‌شود. وکیل سرپرستم از من رضایت دارد و من به تصمیم‌های او اطمینان دارم. او غرق در پرونده است و حضور من برایش ضروری‌ست. اگر همین‌گونه ادامه دهم، چند سال دیگر جای او را خواهم گرفت باید صبر کرد؛ باید از پرونده‌های کوچک آغاز کرد تا پخته و ورزیده شد. کار اصلی انجام شده است؛ من وارد حرفه وکالت شده‌ام و از امروز، همه‌چیز فقط مسئله زمان است. من به مقام استادی نیز خواهم رسید.

لئون گامبتا

